

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

« فبشر عبادي الذين يستمعون القول فيتبعون  
أحسنه ؛ أولئك الذين هداهم الله ، وأولئك هم  
أولوا الألباب »

(قرآن کریم - سوره زمر)

### این مکتب از آن مکتب جدا است!

در شمار نامه‌هایی که از جوانان و دانشجویان عزیز ، بر پایه تشویق ما و یا پیشنهاداتی در باره نشریه ، بدفتر کتابخانه می‌رسد ، نامه‌ای مفصل مضمون درددل و شکایت از اوضاع اجتماعی رسیده که برای احترام گذاردن با احساسات پاک‌نسل جوان ، قسمت عمده‌ای از آن ذیلاً بنظر خوانندگان می‌رسد .

#### آیا مطبوعات ما واقعاً طرفدار اصلاح جوانانند؟

هفته پیش مطبوعی از مطبوعات مختلف و گوناگون کشور ما بدستم افتاد که نامش ... (۱) بود و روی جلدش تصویری از فساد ...  
باری جمله مورد نظر ، عنوان سرمقاله همان شماره (۲) از آن مجله شریفه بود که در آن ، نگارنده محترم با قلمی حساس و شیوا حق مطلب را نیکو ادا کرده و از رازها پرده برداشته بود در بین جملات زیبایش چنین می‌بینید:  
« ما خبر داریم از پیر مرد های و ارسته‌ای که منزلشان مجلس بزم جوانان دختر و پسر است و از آنها پذیرائی میکنند ، هر چه بخواهند در

(۱) ذکر نام مجله از نامه حذف شد. (۲) شماره ۷۶۹ - ۳۱ خرداد ۱۳۴۵

اختیارشان میگذارند ، نازشان را میکشند ، مشروب فرنگی و خوراک فراوان بهشان میخورانند ، که فقط آنجا ، توخانه آنها عیاشی کنند ، تو سر و کله هم بزنند ، و اختصاصاً کلبه او را منور کنند و اوزیر جلکی تماشاچی باشد و لذتکی ببرد .

و آنگاه پس از مطالعه سطوری چند ، چنین میخوانید :

و براستی آفرین ! درود بجوانان ما که با اینهمه مظاهر عوام قریب

و پروسوسه ، با این کثافت کاری های علمی ، با این تجویزی که میکنند برای فساد ، برای خانه سازی فساد ؛ برای «پارتی» های عصرانه تا پارتی های شبانه و استخر پارتی ، بیکنی پارتی و پیژاهه پارتی و کلید پارتی (دودوست زن و دختر خود را معاوضه میکنند) و هزار گونه (عوض و دگش) های ناشایست و اعمال کثیف - بله با وجود همه این پلیدی ها - جوان ایرانی متین و خونسرد ، پاک و غصه دار مانده است ، آیا براستی نگارنده محترم حقیقتی بیان میدارد و اظواهر درک دردی مینماید یا در افکار رمانتیک فرورفته و داستان سرائی میکند ؟ اگر نیکو بیندیشیم در میابیم که قبول عقیده اولی سزاوار تر و بعقل و خرد نزدیکتر است اما متأسفانه ! در شماره دیگر همان مجله شریفه در صفحه ۱۸ مقاله ای تحت عنوان «فیلم های هفتته» را بخوانید تا بدر دلم بهتر پی ببرید ، در آنجا چنین خواندم ( البته پس از معرفی فیلم پیژاهه پارتی و تعریف از آن و عرضه بجوانان ما ) :

« پیژاهه پارتی » صحنه های مفرحی دارد از این مهمانی های بی بند و بار ( ولی بهر حال سالم ! مطابق ذوق آمریکائی ) که تفریح امروز جوانانهای فرنگی است و جوانانهای غیر فرنگی هم ناچار حسرتش را دارند . يك عده هنر پیشه جوان آمریکائی که سبیل فیلمهای مخصوص جوانی و نسل جوان آمریکا هستند و ضامن فیلمهای اینظوری ! بشمار میروند مثل... و... و... در این فیلم شرکت دارند . مضافاً به ( ... ) و همچنین ( .. ) که جمعاً برای تمدد اعصاب بد نیست .»

من تعجب میکنم که يك مجله چطور میتواند يك موضوع را هم تعریف و هم تقبیح کند یکبار بزشتی و دیگر بار ببنکوی پادش کند.

جائی از پیژاها پارتی بعنوان « اعمال کثیف » یاد کرده و وجودش را و پلیدی‌ها، دانسته و درجائی دیگر فیلمی را که بهمان نام است و آموزنده ریزه کاریهای آن ، معرفی نموده و آنرا وسیله تمدد اعصاب ، عرضه داشته است و میگوید که صحنه‌هایش حسرت جوانان مایند در حالیکه ابتدا جوانانمان را برکنار از این بلواها میداند .

علت چیست ؟ و تعدد باغفلت ؟ کدامین را در باره‌شان صادق بدانیم ؟ آیا این - هاروشن فکریست ؟ و آیا برای يك مطبوع پر تیراژ مملکت ما اینها بعید نیست بیائید درك درد ما کنید و بفکر ما باشید، بیائید نسل جوانی را که آینده کشور در دست آنهاست از این همه پر تگاههای تباهی‌رهای بخشید .

الهی که دل‌های ما بنور ایمان و حقیقت روشن وزنده گردد تا همواره پیکار گمراه آزادگی باشیم ، و دعای خیر آن بزرگ با فضیلت درباره ما صادق باشد که میگفت :

### الهی اعمالتان منظم و اخلاقتان همدنب باد .

علی صادق‌پور - دانشجوی دانشکده فنی

دانشگاه تهران - ۴۵۷۷۸



مان نخست به احساسات پاک این دانشجری ارجمند ، که نشانه پاک‌سیرت و تربیت صحیح خانوادگی او ، وهم نمونه صفای روح و توجه بمعنویات تیب جوان این کشور میباشد درود فرستاده ، و سپس برای اینکه بندای او پاسخی داده و شاید از آلام درونی او کاسته باشیم ، چند جمله‌ای مینگاریم :

### جوانان آزاده

در باره بیشتر جوانان و بخصوص دانشجویان این کشور ، ماهم بانویسنده آن مجله هم آهنگ شده و راستی به استقامت و متانت و خونسردی و علوهمت آنان آفرین گفته و درود میفرستیم .

آری آن جوانانی که در این عصر و این محیط ، با اینهمه مظاهر فساد و مناظر شهوت زا ، و این اندازه دامهای شیطانی و جلوه‌های دلفریب ؛ و

اینگونه تبلیغات گمراه کننده و ضد انسانی که در جامعه کنونی رواج یافته است، باز مردانگی، بخرج داده و بردباری نموده، و چون کوه ایستاده و روح ایمان و عفت و تقوا و اصالت خود را از دست نداده اند و با کمال خونسردی به همه و سوسه های ابلیسی و زمزمه های سحر آمیز مکتب غرب لبخند زده و دامن پاک خود را نیالوده اند، نه تنها قابل ستایش میباشند بلکه شایستگی دارند که از جان و دل آنان را دوست داشته و با آنان احترام گذاریم.

مادر نوشته های سابق خود نیز گفته ایم که بزرگترین سرمایه مادی و معنوی هر جامعه که آبادی و سر بلندی آن را ضمانت نموده و کشور خود را بسوی کمال و پیشرفت سوق میدهند، همان مردان فضیلت و رجال علم و ادب میباشند که در تمام مراحل زندگی راه راست و درست را پیموده و از انحرافات و کژیها محفوظ مانده اند.

بدیهی است که اینگونه مردان خردمند و با ارزش، از آن گونه جوانان آزاده ای فراهم میآیند که فرصت جوانی را بیهوده از دست نداده و دنبال شهوات و هوسهای شیطانی نرفته، در مقام تحصیل کمال و فضیلت بر آمده اند.

ضمناً آن آقای نویسنده ای که این گونه جوانان را ستوده و بر آنان درود فرستاده است این نکته را بداند که این نیرومندی و ارجمندی جوانان ایرانی، از هنر مکتب دین است که در نهاد این کشور اسلامی و شیعه مذهب بر قرار بوده، و روح ایمان و تقوا و عفت و حیا را در اعماق جان فرزندان این کشور جایگزین ساخته است.

همان مکتبی که با خون دلها و رنجهای فراوان اسلاف و گذشتگان ما بوجود آمده و امروز جمعی دوی پرست و شهوتران و کاسه لیس و مزدور مکتب غرب، در مقام ویرانی آن بر آمده و میخواهند با نقشه های شوم و قلمهای مسموم و زبانهای ناپاک خود آنرا متزلزل سازند.

### پیر مردهای وارسته ۱

اما آن پیر مردهایی که آن نویسنده اشاره نموده و خانه و کلیه آنها را بزم عیش و محفل بیماری دختران و پسران جوان دانسته، و در عین حال آنان را وارسته

خواننده است، و بدینوسیله آبروی ملت و کشوری را برده و حیثیت این جامعه اسلامی را لکه دار ساخته است بنظر ما اگر راست باشد و چنین پیران خرف و ابله‌ی در جامعه ما یافت شوند، آنان را فرزندان این کشور اسلامی نمیتوان شمرد. آنان شاگردان مکتب غرب و پرورش یافتگان محیط اروپا و آمریکا‌یند که گوشت خوک و الکل، و انس با مجالس طرب و شهوت، جسم و جان آنان را آلوده ساخته و بکلی روح ایمان از نهادشان رخت بر بسته است.

آنان پیروان و مقلدین آن جامعه‌هائی هستند که هر گاه زمامدار و پیشوای آنها بخواهد بکشوری دیگر مسافرت کند باید قبلاً هنرپیشه‌های درجه اول و رقاصه‌های نمره یک برای پذیرائی او خوشگذرانی او حضور یافته و آماده باشند. و یا اگر دختر شخص اول آن کشور با داشتن نامزد، با مرد دیگری هر چند، هنرپیشه سینما باشد نزد عشق باخته و شب و روز با هم باشند با کی نداشته، بلکه عملاً آنرا امضاء نموده و بدان مباحات میکند.

بلی آن پیر مردانی که سرپیری عمر که گیری نموده و آنگونه محافل و بزمهای شیطانی را تشکیل میدهند از همان قماش مردانی هستند که پیر مرد هشتاد ساله آنها با همه شخصیت که بخود گرفته باز در میان زنها و دخترهای لخت لول خورده و احياناً با آنها برقص درآمده و آقایان مجله نویسهام با آنها افتخار نموده و شرح حال آنها را با آب و تاب نقل کرده، عکسهای کذائی آنها را منتشر میکنند.

اینگونه پیران غالباً از همان مردم زالوصفت و خوک سیرتی هستند که بناوین مختلف و از راههای گوناگون شیرۀ جان ملت را مکیده از رنج دست بیچارگان و زحمت کشان این کشور مسلمان، مالهای انبوهی فراهم آورده و راه کشورهای غرب را پیش گرفته و بجای اینکه از دانش و صنعت آنان بهره‌ای بگیرند آنجارا خانه عیاشی و مرکز شهوت رانی خود قرار داده‌اند. جوانی خود را در کاباره‌ها و عیاشخانه‌های اروپا و آمریکا بسر برده و اینک که سستی و ناتوانی بر آنان غالب شده و جنود مرگ آنها را احاطه نموده است، با تشکیل آنگونه محافل و انجمنهای دختران و پسران خود را سرگرم ساخته و آتش شهوت خود را خاموش میسازند.

و گرنه آن پیر مردان مهدبی که حقاوارسته اند و در مکتب ایمان و مهد  
تشیع پرورش یافته و لذت علم و عبادت و تقوا را چشیده اند و خوشبختانه اکثریت این  
طبقه را هم تشکیل میدهند ، هیچگاه تن باینگونه پستی ها و ناپاکیها نداده بلکه  
از مشاهده این اوضاع ناروا و ناشایست رنج میبرند .

آنان از هر دسته و طبقه ای که باشند ، چند صباح آخر عمر را غنیمت شمرده  
و دین خود را بجامعه خود ادا میکنند .

آنان اگر از طبقه دانشمندان و تحصیل کرده هستند ، دوران پیری خود را  
در راه مطالعه و تألیف و بجای گزاردن آثار علمی و تربیتی گذرانده و ثمرات گران-  
بهای عمر خود را بصورت کتابها و نوشته ها در آورده و برای نسل آینده وارث  
می گذارند .

### کتابخانه مدرسه فضیله قم

اگر از گروه ثروتمندان و متمکنین باشند سرمایه هائی را که با رنجها و  
مشقتها بدست آورده و اموالی را که بطریق مشروع و خدا پسند فراهم آورده اند  
در راههای خیر و عام المنفعه بکار انداخته و با ساختن مساجد و مدارس و تأسیس  
بیمارستانها و پرورشگاهها و بجای گزاردن موقوفات و صدقات جاریه ، موجبات  
رفاه و آسایش و سعادت و سرفرازی جامعه خود را تأمین مینمایند .

و اگر از طبقات متوسط و رنجبر و زحمتکش هم بوده اند غالباً روزگار  
پیری و فرسودگی را در مساجد و مشاهد و محافل علمی و دینی بسر برده و با عبادت  
و توجه به خداوندان سرگرفته و بقدر مقدور بادت و زبان و مال و جان خود در راه  
آسایش دیگران و تعظیم شعائر دین و آبادی مؤسسات مذهبی کوشش مینمایند .

### مکتب فضیلت

آری آن آقای نویسنده مقاله و همکاران و همفکران او بدانند که مردم  
با کسرت ایران از زمانهای دیرین و قرون پیشین ، دوست دار فضیلت و شرف و  
پای بند ایمان و تقوا بوده اند و بهمین جهت در قرن پیش از دین مقدس اسلام  
استقبال نموده و مخصوصاً در مقام پیروی از خاندان عصمت و طهارت (ع) برآمده  
و شاگردی آن مکتب الهی و انسانی را اختیار نموده اند .

همان مکتبی که در طول تاریخ افراد با فضیلت و مردان با شخصیتی پرورش.

داده، جوانان آن، با شرف و با حیا و غیور و امین و با عاطفو و جدی و فعال بوده ، و پیران و سالخوردهگان آن ، آزموده و خردمند و دانا و با ایمان و در میان قوم و جامعه خود بمانند پدری مهربان و دلسوز بلکه پیغمبری راهنما و خیر اندیش میزیسته اند. و اینگونه نمونه‌هایی که کم و بیش در مجلات و جراید منعکس شده و اعمال و اخلاق ننگین و شرم آور آنها بر خ مردم کشیده میشود ، از قبیل آن زنانی که پردهٔ حیا و عفت را در دیده ، و جوانانی که از مرز شرف و غیرت و مردانگی بیرون رفته ؛ و پیرانی که از سالخوردگی جز موی سفید و دلی سیاه بدست نیاورده و خود را با اعمال کود کانه و سفیهانه سرگرم میدارند ، حساب آنها از مکتب ایمان و فضیلت و شرف و انسانیت جدا بوده و نباید رفتار و گفتار و کردار آنها را معیار و میزان اخلاق و تربیت جامعهٔ ایرانی و کشور اسلامی قرار داده و با انتشار مقالات و عکسها آنها را بدنیای معرفی نمود .

این چند جمله از سخن ما با آقای نویسنده مقالهٔ آن مجله ؛ و اما سخن ما با آن برادر دانشجو و جوان با شرفی که درد دل و شکایت نموده انشاء الله تعالی در شماره آینده .

کتابخانه مسجد اعظم - قم

آبوالعالم دانش‌شناسی

## زیبائی ظاهر و باطن

حسن الصورة جمال ظاهر و حسن العقل جمال

باطن

دزیبائی صورت (و اندام) ، جمال ظاهر و نیکوئی عقل ( و

تدبیر) جمال باطن آدمی است ،

(انوار البهیة - امام عسکری علیه السلام